

فرآیند معناشناسی محبت در قرآن

فاطمه تجلی

سطح ۴ (دکتری) حوزه علمیه معصومیه قم

چکیده

معناشناسی واژگان قرآن از مهمترین ضرورت‌ها و رسالتی بر دوش پژوهشگران زبان عربی است که برای درک و فهم قرآن، لازم و ضروری است، گرچه خرد و عقل بشری از دسترسی آن معانی والا، قاصر و ناتوانند و تنها دیدگان روشن و دارای بصیرت می‌توانند به محاسن انوار آن دست یابند که «لا یمسه آلا المطهرون، ولی این مطلب از ارزش و ضرورت و اهمیت کاوش‌های قرآنی نمی‌کاهد، پژوهش حاضر به بررسی فرآیند معناشناسی واژه محبت در قرآن پرداخته و با بررسی این واژه در کتابهای لغت ابتدا معنای اصلی و اساسی واژه استخراج شده سپس مترادف و متضادهای واژه و پس از آن به معنای کاربردی واژه محبت در قرآن و روایات و اشعار پرداخته شد. پس از واژه‌شناسی وارد مرحله معناشناسی شده است و به شناسایی حوزه معنایی واژه در قالب هم‌نشینی معنایی و جانشینی معنایی و رابط مفهومی در قرآن پرداخته و در پایان به نکاتی در نتیجه‌گیری اشاره شده است.

کلمات کلیدی: معناشناسی، محبت، روابط – هم‌نشینی، جانشینی، تقابل معنایی، هم‌معنایی

مقدمه

معناشناسی به عنوان شاخه ای از زبان شناسی در پی کشف و چگونگی سازماندهی این پیام ها در متن است. قرآن کریم با توجه به ویژگی و حیاتی بودن از منبع حکیم، متنی سرشار از پیام های پنهان است. کشف و بررسی این پیام ها، به دلیل جنبه هدایت گری قرآن و نقش اساسی که در تأمین سعادت و کمال بشر دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است و کشف این پیام ها با بررسی دقیق معنای واژگان قرآنی میسر خواهد بود. نگاه معناشناختی به متن و تحلیل معنایی واژگان یکی از راه های دستیابی به معنای دقیق و مقصود اصلی مؤلف حکیم است.

از صدر اسلام تا کنون کتابهای بسیاری در این زمینه نگاشته شده از کهن ترین این کتابها می توان به کتاب العین خلیل بن احمد فراهیدی و لسان العرب ابن منظور و غریب القرآن ابان ابن تغلب و سپس مفردات راغب اصفهانی و ... نگارش شده اند که هدف اصلی این مولفان تبیین معنای واژگان قرآنی و جنبه های دیگری از واژگان قرآنی مانند واژه های دیرپاب و دلالت واژگان بوده است.^۱

قرآن پژوهان متأخر به روش های معناشناختی و ساختارگرایانه آیات قرآن توجه بیشتری داشته اند. در نگاه معناشناسی، از طریق تفاوت ها و تقابل ها، همنشینی عناصر گوناگون و شبکه ای از مفاهیم که با یکدیگر روابط متقابل دارند، می توان معنای کلمات کلیدی قرآن را یافت.^۲

توشه‌یکوایزوتسو از جمله کسانی است که روش معناشناسی را پیگیری کرده و با نوشتن دو کتاب مفاهیم دین و اخلاقی در قرآن کریم و همچنین خدا و انسان در قرآن در باب این نظریه سخن گفته است. ایزوتسو با توجه به تسلط بر مفاهیم قرآنی، به مطالعه ادبیات عرب دوره جاهلی پرداخت تا کلمات بنیادی و اساسی قرآن را در آنها ریشه یابی و تحول و دگرگونی هایی را که در آنها پدید آمده، مشخص کند و در ضمن با نظر و توجیه دانشمندان اسلامی درباره آن مضامین و مفاهیم آشنا شود.^۳

۱- دریافت معنای اساسی و لغوی واژه:

بی تردید معنای لغوی یک واژه در فهم ابتدایی آن مؤثر است. احمد بن فارس در کتاب ترتیب مقایس اللغه می گوید: حبّ از حاء و باء دارای ۳ اصل و ریشه است یکی از آن اصول سه گانه لزوم و ثبات است و دومین اصل به معنای دانه از چیزی که دارای دانه است و سومین اصل آن، وصف کوتاهی است.

حبّ با فتح حاء به معنی دانه گندم و جو می باشد اما حبّ با کسره حاء به معنی دانه گلهها و ریاحین است. خدای تعالی در سوره بقره آیه ۲۶۱ می فرماید: كَمَثَلِ حَبَّةٍ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ ترجمه: مثل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد [و شایستگی داشته باشد] چند برابر می کند و خدا از نظر قدرت و رحمت، گشایشگر داناست در این آیه کلمه حبّه با فتح حاء به معنی دانه گیاه است.

رسول خدا «ص» می فرماید: (در تشریح حالت دوزخیان) از آتش جهنم خارج می شوند همانطور که دانه های گیاهان در زمینهای سیلابی پی در پی می رویند و خشک می شوند، دوزخیان نیز چنان هستند.

برخی از اهل علم می گویند هر چیزی که دارای دانه است حبّ (دانه گندم و جو) حتی اسم حبّه یا دانه گلهها و ریاحین هم از حبّ مشتق شده است. ما نظر راغب بر این است که دانه گندم و جو فقط حبّ است و نه غیر آن. و از این اصل گرفته شده واژه حبّلة القلب یعنی مرکز و سويدای دل و گفته می شود نتیجه و ثمره دل و خاطر است. و از این اصل است حبّ و آن همان ردیف ریز دندانها است و شعر مربوطه از این قرار است و إِذَا تَضَحَّكُ تُبْدِي حَبِّبًا كَرُضًا بِ الْمَشْكِ بِالْمَاءِ الْخَصْرِ فِي إِنْجَا حَبِّبًا بِه معنای ردیف ریز دندانها است.

۱. رجبی، محمود و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۹۸

۲. البرزی، پرویز، مبانی زبان شناسی متن، ص ۱۰۹

۳. دین پرست، منوچهر، زائر مشرقی (تأملی بر آثار و اندیشه های ایزوتسو، ص ۳۲)

اما اصل دیگری که حَبَّ از آن مشتق شده معنای لزوم و ثبات است. پس حُبَّ و مَحَبَّة این معنی را می‌رسانند در صورتی که مشتق از أَحَبَّ باشد معنای الزام را بیشتر نمودار می‌کند و مُحِبَّ یعنی شتری که در مانده شد پس در مکانش ایستاد. و همچنین گفته می‌شود مَحَبَّ با فَتْحَ حاء و گفته می‌شود احبَّ البغیر هنگامی که شتر می‌ایستد و گفته اند: خفتن و درمانده گردیدن در شتر مثل راه نرفتن و باز ایستادن در در چهارپایان است گفت: ضرب بعیر السَّوءِ إِذْ احبَّ. یعنی شتر بد را اگر باز ایستد و از جایش تکان نخورد می‌زند.

اما اصل آخری که حَبَّ از آن مشتق می‌شود صفت کوتاهی است یعنی قصر، حجاب به مرد کوتاه می‌گویند و حجاب را به جمع کوچک‌ها می‌گویند و آن جمع حجاب همان مرد کوتاه است. گمان می‌کنم حباب آب از همین ریشه و اصل گرفته شده است و همچنین جایز است اینکه از باب اول و اصل اول باشد. مانند آنکه حَبَّات را جمع حبه به معنی دانه بگیریم. حباب اسم مردی است که ابن کلبی می‌گوید: ابوحباب نام بخیلی مشهور است که می‌گویند آتنش ضعیفی بر افروخت یا آتش به خاکستر می‌پوشید تا مهمان به خیمه او راه نبرد و گفته شده حباب اسم مردی است که به آتش او سودی نصیب نمی‌شود و گفته شده از آنچه که نادر است از باب حباب که آن همان نام مار است و گفته اند حباب را اسم شیطان بخاطر اینکه شیطان مار است.^۴

به نظر می‌رسد که اصل حُبَّ و مَحَبَّت که موضوع تحقیق اینجانب می‌باشد با توجه به نظر ابن فارس که از اصل و ریشه لزوم و ثبات گرفته شده به این خاطر به معنای عشق و دلدادگی است چون عاشق خود را ملزم به همیشه بودن و جدانشدن به محبوب می‌کند یک نوع الزام و دلبستگی بین ۲ نفر برقرار می‌گردد که این الزام در اثر آن محبت پدید می‌آید و به عبارتی الزام و محبت در هم تنیده می‌شوند. نکته جالبی که راغب اصفهانی در مفردات به آن اشاره کرده است حَبَّ به معنای دانه گله‌ها و ریاحین را به معنای محبوب و به شدت دوست داشتنی گرفته است و حَبَّة القلب که لفظ حَبَّة به معنای دانه‌های گندم و جو است ۱- در اصلاح حَبَّة القلب به ۴ معنا نوشته است ۱- نتیجه و ثمره دل و خاطر ۲- مرکز و سویدای دل ۳- تکیه ای خون سیاه در وسط قلب ۴- جایگاه محبت و دوستی ایشان در ادامه می‌نویسد: «حَبَّت فلاناً معنی آن در اصل این است که در مرکز جان و دلش و جای گرفتیم. و قلب و دلش را شیفته خودم کردم مَحَبَّة: یعنی خواستن و تمایل به چیزی که می‌بینی و آن را خیر می‌پنداری»^۵

همچنین راغب اصفهانی احبَّ البعیر را به طرز گویاتری معنا کرده است که به واژه ی حَبَّ همانطور که ابن فارس اعتقاد دارد نزدیکتر است و آن این است که احبَّ البعیر یعنی ملازم جایگاه خود شد، گویی که مکان خود را به خاطر رتوفش در آنجا دوست دارد. و این قسمت از گفته راغب گفته ابن فارس را تأیید می‌کند.

باز در سایت المعانی مراد از حَبَّة را که جمع آن حَبَّب است دانه‌های ریز که در داخل برخی میوه‌ها موجود است مانند دانه‌های حَبَّة انگور یا سیب ذکر کرده است و حَبَّان را به معنی دانه و بزرگتر است.

حَبَّب را به معنای معظم و بیشترین گرفته است مثلاً حَبَّبُ الماء را بیشترین آب گرفته.

مسائل ابن اریز گسترده‌ترین اثری که از ابن عباس در مهارت وی در شناخت لغت و اشعار عرب بر جای مانده که در کتاب تفسیر و مفسران جناب آیت الله محمد هادی معرفت بررسی شد ولی در مورد لغت مَحَبَّة و حَب چیزی یافت نشد. کتاب العین هم بررسی شد و نکته زائد بر کتاب‌های قبلی نداشت. کتاب قاموس قرآن هم بررسی شد حَب را به معنای دوست داشتن گرفته و حَبَّ را به معنای مطلق دانه گرفته است که جمع آن را حَبَّة و حَبَّاب و حَبوب معرفی کرده است.^۶

مترادف‌های این واژه در کتاب مکنز العربی از ابن‌قرار است:

حَبَّ - وَدَّ - هَوَى - مَقَّ - شَقَفَ - لِلْأَعْرَمِ بِأَوْلَعٍ بٍ، عشق، کلف ب، هام، وله

حَبَّ = وداد، میل، مَحَبَّة، مودَّة، غرام، هوی، وَدَّ، اخاءة، اعزاز، شغف، جوئی، صبوة، کلف، تَلَطَّف، اخلاص، مضافه.

۴. فارس زکریا، احمد، ترتیب مقاریس اللغه، ص ۲۰۲

۵. اصفهانی، راغب، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۴۳۹

۶. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۹۵

مُحِبٌّ = عاشق، صَبٌّ، مغزم، کلف، هائم.

مُحِبَّةٌ = میل، رغبه، مودّه، عشق، هیام، حُبٌّ و داد»^۷

متضاد و نقیض

نقیض حُبٌّ یا بغض است یا غیظ است به معنی خشم و کینه و دشمنی که متضاد واژهٔ محبت و حُبٌّ می باشند.

در کتاب شریف فرق اللغة در مورد فرق بین حُبٌّ و ودّ می نویسد:

«آنچه موجب حُبٌّ است خوی و طبیعت انسانی و حکمت با هم است، ولی مراد از ودّ از جهت خوی و طبیعت انسانی می باشد»^۸

۲- معنای اصطلاحی واژه حُبٌّ

از اصل حُبٌّ یا دوست داشتن آیات ذیل بعنوان نمونه آورده شده است.

سورهٔ بقره آیهٔ ۱۶۵ الذین آمنوا اشدُّ حُبًّا لله.

ترجمه: کسانی که ایمان دارند شدیدترین محبت و عشق را به خدا دارند صاحب تفسیر مجمع البیان دربارهٔ این آیه می نویسد:

«مومنین در محبت خدا پایدار می باشند چون مشرکین در دل بستگی و محبت خود ثابت و پایدار نبودند و محبت خود را از

این بت به آن بت منتقل می کردند»^۹

زمخشری صاحب تفسیر کشاف آیهٔ فوق را اینطور تفسیر نموده است: بقره آیهٔ ۱۶۵

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ

ترجمه: بعضی از مردم معبودهای غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند و آنها را همچون خدا دوست می دارند اما آنهایی

که ایمان دارند محبتشان به خدا از مشرکان نسبت به معبودهایشان شدیدتر است.

ایشان یحیونهم را به معنای يعظمونهم و يخضعون لهم تعظیم المحبوب و كحبّ الله را به معنای كتعظیم الله گرفته است یعنی

یحیونهم به معنای تعظیم می کنند برای آنها و خضوع می کنند برای آنها همانند تعظیمی که کسی برای محبوبش می کند و

ایشان بیشتر حُبٌّ را به معنای کرنش و تواضع و خضوع در برابر محبوب معنا کرده است و اشدُّ حُبًّا لله را به این شکل تعبیر

کرده است لآتهم لا يعدلون عنه لغیره یعنی مومنان به این خاطر شدیدترین محبت را دارند زیرا از خداوند رو به سوی غیر نمی

کنند و فقط در برابر او خضوع دارند.^{۱۰}

استاد طباطبایی در تفسیر شریف المیزان نیز منظور از واژهٔ حُبٌّ در این آیه را همانند طبرسی صاحب مجمع البیان معنا کرده

است.^{۱۱}

تفسیر شریف المنارهم همچون استاد طباطبایی حُبٌّ را به معنی دوستی و عشق ورزیدن معنا کرده است.^{۱۲}

در تفسیر شریف نورالثقلین مطلبی برای تفسیر این آیه نبود.

در قاموس قرآن دربارهٔ واژهٔ حُبٌّ آمده است: «در قرآن مجید فعل ثلاثی این کلمه مطلقاً به کار نرفته است و همه از باب افعال

(احبّ، یحبّ) و از باب استفعال و تفعیل (استحبّ، حبّ) استعمال شده است ولی مصدر ثلاثی آن چنانکه نقل شد بارها آمده

است»^{۱۳}

^۷ اسماعیل صینی، محمود، مکنز العربی المعاصر، ص ۳۴

^۸ عسگری، حسن ابن عبدالله، فروق فی اللغة، صفحه ۱۱۵

^۹ طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۵۲

^{۱۰} زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۲۱۱۰

^{۱۱} طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۱۱

^{۱۲} رضا، محمد رشید، ج ۲، ص ۶۹

^{۱۳} قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۹۳

مثال دیگر: سوره بقره آیه ۲۲۲ **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ**

راغب اصفهانی درباره این آیه می نویسد: (یعنی توبه کنندگان و پاک شدگان را ثابت و پایداری دهد و نعمشان می دهد و این همان دوستی خداوند است. **إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كَلَّ مَخْتَالٍ فَخُورٍ** لقمان / ۱۸ هشدار و تنبیهی است بر اینکه ارتکاب و انجام گناهان طوری است که با تداوم آنها دیگر توبه و بازگشت از گناهان میسر نیست. آنگاه که ادامه دهنده گناه تمویه نمی کند، دیگر مشمول محبت و لطف خدای که درباره توبه کنندگان و پاکان وعده داده است قرار نمی گیرد و از محبت خدای محروم می شود»^{۱۴}

در تفسیر التحریر و التنویر نیز واژه **حَبَّ** در آیات به معنای دوستی و عشق آمده است.^{۱۵} در مورد تفسیر واژه محبت هم صاحب مجمع البیان در آیه ۳۹ سوره مبارکه طاهرا **وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي** و من محبتی از خودم بر تو افکندم. در این تفسیر هم **مَحَبَّةً** به معنای دوستی و عشق آمده است.^{۱۶} اما معنای کاربردی واژه **حَبَّ** از اصل **حَبَّ** (به معنی دانه) که به معنای مطلق دانه است و مفرد آن **حَبَّة** است. مثال قرآنی سوره انعام آیه ۹۵: **إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوَى** ترجمه: خداوند شکافنده دانه هسته است.

بقره ۲۶۱: **كَمِثْلِ حَبَّةِ سَنَابِلٍ**

ترجمه: همانند دانه ای است که ۷ خوشه برویاند.

جمع بندی معنای کاربردی **حَبَّ** و **مَحَبَّةً** در قرآن کریم

از میان مشتقات مختلف واژه **حَبَّ** و وزنهای مختلفی که در معانی لغوی ذکر گردید بیشترین کاربردی که در قرآن از این واژه به کار رفته از **حَبَّ** و فعل ثلاثی این کلمه مطلقاً بکار نرفته است و همه از باب افعال (احبّ یحبّ) و از باب استفعال و تفعیل (استحبّ، حبّبت) استعمال شده است ولی مصدر ثلاثی آن بارها آمده است، معنای کاربردی واژه **مَحَبَّةً** و **حَبَّ** در تفاسیر مجمع البیان، المیزان و المنار و التحریر و التنویر به معنای محبت و عشق است و در تفسیر کشاف به معنای در برابر محبوب آمده است.

۳-روایات مربوط به واژه **حُبَّ** و **حَبَّ**

۱- فایده محبت امیرالمومنین علی «ع»: سلیم از عبدالله بن عباس نقل می کند: مردی خدمت پیامبر «ص» عرض کرد آیا محبت علی برای من نفعی دارد؟ فرمود: وای بر تو! هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر کس خدا را دوست بدارد خدا او را عذاب نمی کند.^{۱۷}

۲- از کتاب شریف صحیفه سجادیه عبارت شماره ۵: (سپس آنان را در راه اراده و خواست خویش روان گردانید و در راه محبت و دوستی به خود برانگیخت)^{۱۸}

۳- از دعای شریف صحیفه سجادیه دعای چهل و هفتم شماره ۱۰۳:

(و به من ببخش آنچه طاقت و توانایی آن را ندارم که از جهت فزونی محبت بر من تکلیف می نمایی گرانبارم سازی)

۴- رسول خدا «ص» می فرماید: **يُخْرِجُونَ مِنَ النَّارِ فِينَبْتُونَ كَمَا تَنْبَتُ الْحَبَّةُ فِي حَمِيلِ السَّيْلِ** ترجمه: دوزخیان در شلعه های غذاب چون گیاهان زود رو ظاهر می شوند یعنی همانطور که دانه های گیاهان در زمین های سیلابی پی در پی می رویند و خشک می شوند، دوزخیان نیز چنانند.

۱۴ اصفهانی، راغب، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۴۴۲

۱۵ ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، ج ۳، ص ۳۷

۱۶ طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۲۶

۱۷ هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد «ص»، ص ۶۵۱

۱۸ علی بن الحسین «ع»، صحیفه سجادیه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۲۹

۵- از روایات تفسیری محمد بن یعقوب ... از جا برگفت: (پرسیدم از اباجعفر از قول خداوند عزّو جلّ و من الناس من يتخذ من دون الله انداداً يحبونهم كحبّ الله (بقره ۱۶۵) فرمود: ایشان قسم به خدا دوستان و پیروان فلانی و فلانی هستند که آنان را پیشوا گرفته اند غیر از امامی که خداوند جعل کرده است برای مردم که امام باشد)^{۱۹}
در تفسیر سوره مبارکه طه آیه ۳۹ این روایت تفسیری در تفسیر نورالثقلین اشاره شده است:
و القیت عليك محبة مني عن ابي جعفر «ع» قال: (و القیت عليك محبتة مني یعنی پس دوست داشت او را قبطی که نگهبان او بود)^{۲۰}

جمع بندی روایات

در مجموع چه در روایات تفسیری و چه در روایات غیرتفسیری بیشترین استفاده از واژه حُبّ به معنای محبت و دوستی و عشق آمده است و به همان معنای کاربردی قرآن است.

۴- کاربرد واژه حُبّ و محبت در اشعار

۱- برای دانۀ ریاحین گفته شده حبه که جمع حبه می باشد و در شعر زیر حبه القلب مراد همان میوه دل و ثمره جان است.
فرمیت غفلة عینه عن شاته

فاصبت حبه قلبها و طحالها^{۲۱}

احمد بن فارسی صاحب مقایس اللغه درباره واژه حب (ردیف ریزندانهها) این شعر را آورده است:

و اذا تضحك تبدی حبباً كرضاب المسك بالماء الخصر^{۲۲}

۳- اما معنای لزوم از اصول ۳ گانه حُبّ

جبت نساء العالمين با السبب

فهن بعد كلهن كالمحب^{۲۳}

اینجا کلمه ی محبّ به معنای دوستدار و عاشق آمده است

۴- اما معنای صفت کوتاهی از اصول ۳ گانه حُبّ

حبّاب در عرب به مرد کوتاه قد معروف است.

دلجی اذا اما الیل بـ نّ علی المقرنة الحباحب^{۲۴}

حباحب جمع حبّاب است به معنای کوچک ها.

۵- ترسیم شبکه و حوزه معنایی در قرآن

بعد از واژه شناسی که شامل مراحل دریافت معنای اساسی واژه و معنای کاربردی واژه بود وارد ترسیم شبکه و حوزه معنایی می شویم. شناسایی حوزه معنایی واژه محبت در قرآن بر اساس ۳ مرحله صورت می گیرد:

۱- بر اساس هم نشین معنایی

۲- بر اساس جانشین معنایی

۳- بر اساس روابط مفهومی در قرآن

که شماره سوم از این ۳ مرحله خود به چهار قسم تقسیم می شود:

الف) هم معنایی ب) چند معنایی ج) شمول معنایی د) تقابلی معنایی

۱۹. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۶۸

۲۰. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۷۸

۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین ج ۳، ص ۳۱

۲۲. ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغه ج ۲، ص ۲۶

۲۳. ابن فارس، احمد معجم مقایس اللغه، ص ۲۶، ج ۲

۲۴. ابن فارس، احمد معجم مقایس اللغه، ص ۲۷، ج ۲

معناشناسی علمی است که می تواند در شناخت مفهوم صحیح آیات قرآن کریم، نقش ارزنده ای را ایفا کند، در این دانش، حوزه معنایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

اشتراک در یک شرط لازم سبب طبقه بندی واژه ها در یک حوزه معنایی می گردد که واحدهای یک نظام معنایی را تشکیل می دهد، چنین واحدهایی به دلیل ویژگی مشترک شان، هم حوزه به حساب می آیند.^{۲۵} برای مثال واژه های بین، میان و وسط، همه در جهت دلالت بر مکان وسط مشترکند از این جهت می توان آنها را در (حوزه معنایی ظرف مکان درون بودن) جای داد؛ ولی مثلاً واژه (وسط) به دلیل نداشتن چنین ویژگی در این حوزه معنایی خاص جای ندارد.

ساخت، به معنی واحدهایی است که یا در کنار هم و یا به جای هم قرار می گیرند.^{۲۶} هر متن از واژگان و عباراتی تشکیل شده که ساختار آن را به وجود آورده همه آنها در یک شبکه معنایی حرکت می کنند، وحدت و انسجام آن نیز بر اثر تناسب درونی بین اجزا به وجود می آید که می توان آن را در دو محور جانشینی و هم نشینی بررسی کرد سپس انواع روابط ساختاری در جمله بر دو نوع است: رابطه هم نشینی و رابطه جانشینی. صورت ساده این دو اصطلاح چنین است: اگر واحدها به جای هم قرار گیرند روی محور جانشینی و اگر کنار هم قرار گیرند روی محور هم نشینی هستند. این دو «مانند تار و پودی هستند که ساخت و بافت کلام را در حوزه معنایی خاص به وجود آورده اند»^{۲۷}

۵- تبیین روابط حوزه معنایی در بین آیات مربوط به واژه های حب و محبت:

واژه حب: سوره ص ۳۲:

فقال آئی احببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی ...

در کلمات حبّ الخیر کلمه خیر جانشین معنایی با کلمه مال است که در جاهای دیگر آمده است از جمله سوره فجر آیه ۲۰) و تحبون المال حباً جماً

واژه حب: سوره آل عمران آیه ۱۴: زین للناس حبّ الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطرة من الذهب و الفضة ... کلمات زین و حب و البنین، و ذهب هم نشین معنایی هستند.

در این رابطه هم نشینی همیشه چیزهایی که در چشم انسان زینت داده شده انسان محبت و حبش را دارد و فرزندان و طلا هم که مشخص است زینت داده شده اند و انسان به داشتن آنها خرسند می شود و آنها را دوست می دارد.

بقره ۱۶۵ مشتقات یحبونهم و حب: و من الناس من یتخذ من دون الله انداداً یحبونهم کحبّ الله و الذین آمنوا اشدّ حباً لله حبّ الله با حبّ المال در سوره فجر آیه ۲۰ رابطه جانشینی دارد.

یوسف: ۳۰ - قال نشوة فی المدینة امرأت العزیز تراودتها عن نفسه قد شغفها حباً انا لنزاه فی ضلال مبین.

کلمه شغفها باحباً رابطه هم نشینی دارد و شغفها حباً با حباً جماً رابطه جانشینی دارد.

کلمه شغف باحبّ مترادف است و هم معنا می باشد و شامل رابطه هم معنایی می گردد.

سوره توبه آیه ۲۴. قل ان کان اباؤکم و ابناؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها احبّ الیکم من الله و رسوله و جهاده فی سبیله فتربصوا...

در این آیه احبّ باموال هم نشینی معنایی دارد و اموال و تجارة هم هم نشین دستوری است. و تجارة و کساد هم نشین دستوری است کلمه انباؤکم و احبّ با هم هم نشین هستند و الله و رسول هم نشین دستوری هستند جهاد و سبیل کلمه هم نشین دستوری هستند.

یوسف ۸: اذ قالو لیوسف و اخوه احبّ الی ابینا منّا و نحن عصبه ان ابانا لفی ضلال مبین بین اخوه و احبّ و بنین همیشه رابطه هم نشینی هست.

ضلال و مبین هم نشینی دستوری دارند.

۲۵ ایزوتسو، توش هیکو، ساختمان مفاهیم اخلاقی، دینی در قرآ، ص ۹۷

۲۶ صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی، تهران، ص ۱۰۶

۲۷ احمدی، بابک، از نشانه های تصویری تا متن، ص ۲۰

بقره ۱۹۰ و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلوتکم و لا تعتدوا ان الله لا یحبّ المعتدین. حبّ با معتد بودن افراد رابطه دارد و فردی که تجاوزگر است حبّ الهی شامل او نمی شود رابطه همنشینی دارد. بقره ۱۹۵ و انفقو فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة و احسنوا ان الله یحبّ المحسنین. حبّ با محسنین رابطه هم نشینی دارد افراد نیکوکار مشمول محبت الهی می شوند.

آل عمران ۵۷: و الله لا یحبّ الظالمین
کلمة لا یحبّ با ظالمین هم نشین هستند.

ال عمران ۱۴۶، و الله یحبّ الصابین
حبّ با صبر رابطه هم نشینی دارد چون فرد صابر محبوب خداست.

سوره مائده آیه ۶۴ و الله لا یحبّ المفسدین
رابطه عدم حبّ با فرد فاسد مشخص است هم نشین هستند

سوره انعام آیه ۱۴۱، انه لا یحبّ المفسرین
رابطه عدم حب با اسراف کردن واضح است که هم نشین هستند

سوره روم، آیه ۴۵، لا یحبّ الکافرین
رابطه عدم حب و کافرین هم نشین هستند.

سوره آل عمران آیه ۳۱
قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم
یحببکم با رحیم مترادف معنایی است محبت با رحمت هم معنا می باشد

فاتبعونی با یحببکم هم نشین معنایی است زیرا تبعیت همیشه جلب محبت الهی را به دنبال خود می آورد. یحببکم با یغفر لکم همنشین معنایی است

آل عمران آیه ۹۲: لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا مما تحبون
برّ و نیکی با تحبون در ارتباط است و هم نشین معنایی است زیرا نیکی و از مقام نیکان شدن مقام محبت الهی را در پی دارد.

آل عمران ۱۱۹: ها انتم اولاء تحبونهم و لا یحبونکم و تومنون بالکتاب کله و اذا القوکم قالو آمنا و اذخلو اعضو علیکم الا نامل من الغیظ قل موتو بفیظکم ان الله علیم بذات الصدور
واژه یحبونکم با غیظ تقابل معنایی دارد. محبت با خشم تقابل معنایی دارد

مائده ۱۸: و قالت الیهود و النصارى نحن ابناء الله و احباؤه و ائمه انباء و احواء با هم همنشینی معنایی دارند چون همیشه در طول تاریخ یکی از علاقمندی های مردم فرزند پسر بوده و برایشان جذابیت داشته و محبت خاصی به پسر داشته اند.

نتیجه گیری پایانی

معنا شناسی واژگانی بعنوان شاخه ای از زبان شناسی در پی کشف و چگونگی سازماندهی این پیام ها در متن است. در این تحقیق معنای اساسی واژه ی محبت در سه اصل:

۱- لزوم و ثبات

۲- دانه

۳- وصف کوتاهی

عنوان شد و مثال های مربوطه زده شد. سپس مترادف ها و متضاد های حبّ گفته شد، مترادف ها از قبیل شغف ب، هوی ... و متضاد های آن شامل بغض و غیظ است. در بخش دوم این تحقیق معانی کاربردی واژه حبّ در آیات بررسی شد و بیشترین کاربردی که در قرآن از این واژه به کار رفته است از معنای لزوم و ثبات و دوستی است. فعل ثلاثی این کلمه مطلقا به کار نرفته و همه از باب افعال (احب و یحب) و از باب استفعال و تفعیل استعمال شده است.

در قسمت روایات، روایات مربوط به واژه حَبّ و حَبّ ذکر شد که عمده روایات پس از بررسی از ریشه حَبّ به معنای محبت و عشق ورزی استفاده کرده بودند. و اشعاری با توجه به سه اصل معنایی واژه حب ذکر گردید. در پایان با توجه به آیات قرآن ترسیم شبکه و حوزه معنایی حب در قرآن انجام شد و جانشین معنایی و هم‌نشین معنایی و متقابل معنایی و هم معنایی در آنها مشخص شد.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. رجبی، محمود و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران، سمت، ۱۳۸۷
۳. البرزی، پرویز، مبانی زبان شناسی متن، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۴. دین پرست، منوچهر، زائر مشرقی (تأملی بر آثار و اندیشه های ایزوتسو) مجله اخبار ادیان، ش ۶، اسفند ۸۲
۵. فارس زکریا، احمد، ترتیب مقاریس اللغه، ترتیب از علی عسگری قم، چاپ دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهار ۱۳۹۰
۶. اصفهانی، راغب، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه خسروی، غلام رضا، تهران چاپ دوم انتشارات مرتضوی
۷. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران چاپ ششم، انتشارات دار الکتب الاسلامیه
۸. اسماعیل صینی، محمود، مکنز العربی المعاصر، چاپ اول، بیروت، مکتبه اللبنا.
۹. عسگری، حسن ابن عبدالله، فروق فی اللغه - بیروت دار الافاق الجدیدة، ۱۴ قمری
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران چاپ اول انتشارات فراهانی
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر کشاف، دارالکتب عربی.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم چاپ پنجم، ۱۳۷۴، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۳. رضا، محمد رشید، دارالمعرفه، ۱۴۱۴ هـ ق
۱۴. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران چاپ اول انتشارات فراهانی
۱۶. هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد «ص»، مترجم اسماعیلی انصاری، قم، نشر الهادی
۱۷. علی بن الحسین «ع»، صحیفه سجادیه، ترجمه فیض الاسلام، تهران، ناشر فقیه
۱۸. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه البعثه قم
۱۹. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ناشر اسماعیلیان، قم
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ ق
۲۱. ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغه، چاپ اول قم، مکتب الاعلام الاسلامی ۱۴۰۴ هـ ق
۲۲. ایزوتسو، توش هیکو، ساختمان مفاهیم اخلاقی، دینی در قرآن»، مترجم فریدون بدره ای، تهران، قلم
۲۳. صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی، تهران، سوره مهر، (حوزه هنری سازمان تبلیغات)
۲۴. احمدی، بابک، از نشانه های تصویری تا متن، چاپ هشتم، تهران نشر مرکز